

مشکلات ثروت سازی در کشور

مدیریت و منابع هماهنگ نیستند

مصاحبه اختصاصی «اقتصاد ایران»، با دکتر احمد روستا، عضو هیأت تحریریه ماهنامه

در دنیا مسأله نیستند، باعث شده است وقتی برای آنها باقی نماند تا به راهکارها توجه نمایند. اگر منابع ثروت ساز کشور را طبقه بندی کنیم و به شناسایی منابع اصلی، فرعی و اولویت دار بپردازیم و پس از آن، به ترتیب اولویت و به دور از هر گونه نگرش سیاسی، منابع را در اختیار کسانی بگذاریم که می‌توانند در ثروت



اقتصاد ایران: آقای دکتر! منابع عمده کشورمان را در بحث تولید ثروت در چه حوزه‌هایی می‌بینید؟

منابع تولید ثروت، اگر چه در ایران تفاوت آنچنانی با دنیا ندارند، اما به دلیل آن که در برخی از حوزه‌ها از منابع خود به درستی استفاده نمی‌کنیم، در نتیجه از تولید ثروت محروم می‌شویم. به نظر من، مهمترین مسأله‌ای که

ساز نقش داشته باشند و همچنین الگو و استراتژی مشخصی برای استفاده از منابع تعیین شده داشته باشیم، شاهد نتایج ارزنده‌ای خواهیم بود. به طور خلاصه، راه حل‌ها را نباید در مدل‌ها و فرمول‌های پیچیده یافت، بلکه لازم است به بسیاری از موارد ساده و غفلت شده، توجه بیشتری داشته باشیم.

اقتصاد ایران: در مورد بازیگران خلق ثروت و وظیفه آنها توضیح بفرمایید؟

یکی از مشکلاتی که در کشور ما وجود دارد، این است که ما نقش دولت را بسیار بزرگ کرده‌ایم و برعکس، نقش بخش خصوصی را بسیار کوچک می‌دانیم. این حرکت یک باور غلط را به وجود آورده و آن این است که همه چیز در اختیار دولت است، پس ما هم بنشینیم و ببینیم که دولت چه می‌کند. باید کسانی که قدرت تشخیص منابع را چه در سطح خرد و چه در سطح کلان دارند، با تشکیل تشکلهای NGOها، الگوی بهینه مدیریت منابع را به دولت ارائه دهند. در این زمینه، اگر چه نقش دولت انکارناشدنی است، اما اگر بخواهیم منتظر اقدام دولت بمانیم، راه به جایی نخواهیم برد. به عنوان مثال، ما همگی از جاذبه‌های گردشگری ایران صحبت می‌کنیم، اما هیچ فرد و گروهی کاری نمی‌کند. باید برای غلبه بر روحیه نومیدی و مدیریت توجیه، بخشی از منابعی را که دولت خیلی در آنها دست ندارد، به کار گرفته و با مدیریت صحیح آنها، الگویی مناسب و جدید برای استفاده از سایر منابع تولید ثروت طراحی کنیم.

ما برای تولید ثروت به آن توجه نمی‌کنیم، منابع دانش محور هستند. مشکل ما این است که منابع ثروت ساز ما سنتی‌اند. ما باید به دنبال منابع جدید باشیم و روی منابعی سرمایه‌گذاری کنیم که خود مولد ثروت‌اند. عمده منابع ثروت ساز ما منابع زیرزمینی و خدادادی هستند که نفت و گاز بخشی از این موارد هستند. البته منابع دیگری همچون جاذبه‌های گردشگری را هم داریم که متأسفانه نه این منابع را به درستی شناسایی کرده‌ایم، نه به خوبی از آنها بهره‌برداری می‌کنیم و نه نسبت به ثروت‌سازیشان حساسیت داریم. به طور کلی، منابع انسانی و خدماتی، پتانسیل زیادی برای سرمایه‌گذاری در آینده دارند که تا الان به درستی روی آنها سرمایه‌گذاری و مدیریت نکرده‌ایم. عدم مدیریت مناسب منابع انسانی از سوی ما، باعث شده است این منابع ارزشمند، راهی کشورهای دیگر شوند و به تولید ثروت برای دیگران بپردازند. اگر نمی‌توانیم از این منابع ثروت‌سازي کنیم، بدان دلیل است که نتوانسته‌ایم مدیریت منابع را به درستی تعریف کرده و یا اجرا کنیم. ما نیازمند بازنگری اساسی در حوزه مدیریت منابع گوناگون هستیم تا از این طریق، بتوانیم در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی ارزش آفرین باشیم.

اقتصاد ایران: به نظر شما آیا مدیران ما راه حل این مشکل را نمی‌دانند؟

به نظر بنده مسئولین، بسیاری از راهکارها را می‌دانند، اما درگیر بودن آنها با بسیاری از مسائلی که

را قطع می‌کند. روزهای بسیاری از سال را هم در تعطیلی به سر برده و موتور اقتصاد کشور را خاموش می‌کنیم. آیا در کشوری که بیش از یک سوم روزهای بالقوه ثروت ساز آن تعطیل است، می‌توان ثروت آفرید؟

مردم و بخش خصوصی

در حال حاضر، واردات تکنولوژی به دلیل مشکلات سیاسی بین‌المللی با هزینه‌های بالا صورت می‌گیرد. این موضوع برای شرکت‌های دولتی به مراتب مشکل‌تر است، در حالی که بخش خصوصی قادر به انجام این مهم از راه‌های قانونی می‌باشد. مضاف بر این، نیروی کار که از مهمترین ابزارهای تولید ثروت به شمار می‌رود، باید توسط بخش خصوصی آموزش ببیند تا از این طریق، تخصص لازم برای تولید ثروت به او انتقال یابد. سرمایه‌گذاری گسترده بر نیروی انسانی و بکارگیری نیروهای مستعد و نخبه در اقتصاد و صنعت، می‌تواند تا اندازه زیادی فرصت‌های ثروت آفرینی را برای کشور فراهم نماید.

بازیگر سوم این بازی مردم هستند. متأسفانه ما هیچ‌گاه در محاسباتمان در عرصه تولید، پتانسیل نیروی مردمی را لحاظ نمی‌کنیم. ارقام بین‌المللی نشان می‌دهند کشورمان اگر چه در قیاس با برخی کشورها عملکرد ضعیف‌تری داشته است، اما کم و بیش از درآمد سرانه تقریباً خوبی بهره‌مند است. با توجه به آن که عموم مردم ما بخشی از درآمد خود را پس‌انداز می‌کنند، باید سیستم کارآمدی تدوین شود تا از ظرفیت پس‌انداز شده مردم به نحو کارآمد برای ثروت‌سازی در کشور استفاده شود؛ کاری که امروز بانک‌های کشور به درستی آن را انجام نمی‌دهند. برای روشن شدن این مطلب، نگاهی مختصر به آمار می‌انجامیم.

بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF)، محصول ناخالص داخلی (GDP) ایران در پایان سال ۲۰۰۹ معادل ۳۲۵ هزار و ۹۲۸ میلیون دلار بوده است که از این مقدار، در حدود ۵۳/۲۵ درصد آن یعنی در حدود ۱۷۳ هزار و ۵۸۵ میلیون دلار به مصرف نهایی خانوار ایرانی رسیده است. یک نظام بانکی مطمئن و پایبند به قانون می‌تواند حجم عظیمی از پس‌انداز جامعه را به تولید هدایت کند. البته مطمئناً مطلوب‌تر آن است که بازار سرمایه کشور مورد اصلاح و بازبینی قرار گیرد و این اصلاح به هدایت مؤثر منابع موجود در کشور بپردازد. باید به فکر تقویت جایگزین‌های موجود برای این مهم در اقتصاد کشور باشیم تا بتوانیم انتظارات لازم را از این ظرفیت‌ها در راستای تولید بهره‌ور ثروت داشته باشیم. برای این منظور، پیشنهاد می‌شود مهره چهارمی تحت عنوان سرمایه‌گذاران جزء کشور را داخل بازی مشارکت دهیم و برای بهره‌گیری از پس‌انداز ملی و افزایش سرمایه‌گذاری‌های مولد از ظرفیت‌های عظیم نزد آنان استفاده کنیم. ■

اقتصاد ایران: چرا در تدوین الگویی برای ثروت سازی از منابع زیرزمینی همچون نفت با مشکل مواجه شده‌ایم؟

به نظر اینجانب، تا روزی که بیش از حد "اعتماد به نفت" داریم، کمتر "اعتماد به نفس" خواهیم داشت. نفت منبعی ثروت ساز است، اگر مدیریت مناسب برای این منبع ارزشمند وجود داشته باشد. این صحیح نیست که آرزو کنیم، ای کاش نفت نبود. باید آرزو کنیم که راه مدیریت درست نفت را پیدا کنیم. باید اول الگوی مناسب مدیریت نفت در کشور و افراد یا گروه‌هایی که توانایی مدیریت درست این منبع را دارند، شناسایی کنیم. در این نارسایی، همه عوامل نقص داشته‌اند، اما دولتمردان ما نه الان، بلکه طی دهه‌های گذشته از همه بیشتر مقصر بوده‌اند. باید بررسی کنیم که مثلاً در دوره‌هایی که با افزایش قیمت نفت مواجه بوده‌ایم، آیا مدیریت مناسبی بر این جهش‌های

قیمتی داشته‌ایم؟ آیا برای سرمایه‌گذاری‌های مولد از آنها استفاده کرده‌ایم؟ با این بررسی می‌توان به یک مسأله مهم که در ادبیات مدیریتی ما کمتر به آن توجه شده است رسید و آن "ظرفیت" است. ظرفیت یعنی گنجایش پذیرش و جنبه داشتن. وقتی ظرفیت استفاده از درآمد اضافی نداشته باشیم، درآمدها را به طور بهینه استفاده نخواهیم کرد.

مدیریت منابع، مثل بسیاری از پدیده‌ها کلیشه‌ای نیست، بلکه ریشه‌ای است. مدیریت نفت در ایران، بیشتر کلیشه‌ای و تکراری بوده است تا خلاق و ابتکاری - که خود دلایل گوناگونی دارد. یکی از آنها ماهیت اقتصادی، سیاسی و جهانی بودن نفت است.

اقتصاد ایران: به تشکیل NGOها اشاره داشتید. اما به نظر می‌رسد NGOهایی هم که تا الان در کشور تشکیل شده‌اند، سازوکارشان مبتنی بر هدایت منابع به سمت تولید ثروت نیست. نظرتان در این خصوص چیست؟

یکی از مشکلات جامعه ما که در اغلب پدیده‌ها و حتی شکل‌گیری NGOها تأثیر گذار هستند، پدیده "دولت زدگی" است. این پدیده باعث شده در شرایطی هم که فرصتی پیدا می‌شود تا بخش خصوصی، خود را نشان دهد و شکل‌ها و NGOها شکل گیرند، با نوعی پدیده بازدارندگی - که ناشی از بزرگنمایی نقش دولت است - این فرصت از دست بروند و نتوانیم آن تشکلی را که مد نظر است به وجود آوریم. NGOها در کشور ما در یک فضای آرام و بر اساس رسالتشان شکل نگرفته‌اند. آنها بیشتر

برای رهایی از فضای دولت‌گریزی شکل گرفته‌اند. به همین دلیل به نظر بنده، اگر علاقمند به تشکل‌ها و NGOهای مفید و مؤثر هستیم، بهتر است رسالت، اهداف و جهت‌گیری‌ها را بر اساس آنچه از این گونه



سازمان‌ها انتظار می‌رود تعریف کرده و دنبال کنیم.

اقتصاد ایران: با توجه به وضعیت موجود و لزوم هر چه سریع‌تر در خلق ثروت، کدام حوزه را برای سرمایه‌گذاری بیشتر مؤثر می‌دانید؟

باید از منابع سنتی کاملاً خارج شویم و به فکر منابع جدید باشیم. چون هر چقدر منابع جدیدتر باشند، احتمال موفقیت در آنها هم بیشتر خواهد بود. در این راستا باید از افکار همگان استفاده شود. متأسفانه ما در بسیاری از مواقع، از تجربیات دیگران استفاده نمی‌کنیم و وقت، انرژی و سرمایه خود را هدر می‌دهیم و پروژه‌ها را به صورت نیمه تمام و ناقص رها می‌کنیم. ما با پدیده‌ای به نام مدیریت نیمه‌کاره در کشور روبه‌رو هستیم. مدیریتی نیمه‌کاره قلمداد می‌شود که قبل از آغاز حرکت، کمتر به تحقیق، مشاوره و مطالعه توجه داشته باشد و در نتیجه، پایان مثبتی هم نخواهد داشت. ما نمی‌توانیم با مدیریت سنتی، به پدیده‌های جدید بپردازیم و نتیجه دلخواه بگیریم. متأسفانه، ما گرفتار نوعی مدیریت کوتاه مدت، زود بازده، نمایشی و عادت شده می‌باشیم.

در دنیایی که مواردی چون تحول‌گرایی، توسعه‌یابی، تنوع‌طلبی و تازه‌پسندی مطرح هستند، مدیریت منابع و پروژه‌ها نیز باید به صورت مدیریت‌های نوین و تحول یافته باشند. سازمان‌های ما نیازمند یادگیری و بکارگیری سبک‌های نوین مدیریت با در نظر گرفتن واقعیات و مقتضیات کشور هستند. سبک مدیریت، پدیده‌ای پویا، اقتضایی و نسبی است. به همین دلیل، اگر نوع مدیریت ما در زمانی با موفقیت همراه بوده است، دلیلی ندارد که حتماً در شرایط کنونی هم موفق

گردد. در دنیای تنوع طلب و تازه‌پسند، مدیریت عادت‌ی جوایگو نخواهد بود. به نظر بنده، در مدیریت منابع، می‌توان از نظریه‌ای که آن را مدیریت معکوس می‌دانم، استفاده کرد. مدیریت معکوس منابع، یعنی آن که همه چیز را از نقطه پایان استفاده از منابع تعریف کنیم. یعنی به جای آن که تأکید زیاد روی منبع داشته باشیم، به نتیجه نهایی و آثار منبع یا منابع تأکید ورزیم. نتیجه نهایی هر نوع منبع، آرامش، آسایش و ارزش‌های مادی و معنوی برای رفیع‌تر نیازها است. بسیاری از اقتصاددانان عوامل تولید را در "چهارام" (4M) مطرح می‌کنند، یعنی Man (نیروی انسانی)، Machine (ماشین‌آلات)، Money (سرمایه) و Material (مواد اولیه). از دید بنده، یک M حساس‌تر، قبل از بکارگیری هر یک از عوامل چهارگانه فوق وجود دارد و آن Market Needs and Opportunities (نیازها و فرصت‌های بازار) است که اگر این نباشد، استفاده از سایر عوامل تولید معنا پیدا

نمی‌کند. بنابراین باید در مدیریت منبع، به آثار منابع و استفاده‌کنندگان این منابع توجه کنیم تا بتوانیم از آغاز با تکنیک‌ها، ابزارها و شیوه‌های بهتری به مدیریت منابع بپردازیم.

اقتصاد ایران: برای کوتاهی‌هایی که تا الان صورت گرفته، نظام آموزشی کشور را تا چه اندازه مقصر می‌دانید؟

ضرب‌المثل می‌گوید: "نگرشت را عوض کن تا زندگی متحول شود." اولین چیزی که ما باید آن را تغییر دهیم نگرشمان است، نه دانشمان. بدون تغییر نگرش، نمی‌توانیم مدیریتمان را عوض کنیم. نظام آموزش ما هم جدا از این مقوله نیست. تغییر دانش، کوتاه مدت‌تر از تغییر نگرش است، ولی به هر حال باید نگرشمان تغییر کند و به سمت نگرش جهانی حرکت کنیم.

اقتصاد ایران: نخبگان و نیروی متخصص انسانی چه تأثیری در ثروت‌سازی کشور دارند؟

اگر بپذیریم که آدم‌های خوش فکر و نخبه می‌توانند منابع بالقوه را به فعلیت برسانند، قطعاً کاری می‌کنیم که از تمام نیروهای نخبه کشور به طرز کارآمد استفاده شود. عالی‌ترین منابع، بدون داشتن نیروی نخبه نمی‌توانند کارایی لازم را داشته باشند. باید کاری کنیم که از افکار و افراد خلاق و نخبه، در شأن و منزلتی که دارند استفاده شود.

اقتصاد ایران: متشکریم. ■